

گونه شعارهای توخالی و غیر عملی هوادارانی در سایر کشورهای مسلمان و به ویژه کشورهای عربی بدست آوردند و در ضمن توجه سران کشورهای غربی را که نگران اتمی شدن جمهوری اسلامی هستند از نقض مستمر حقوق بشر و سرکوب مردم در ایران منحرف سازند.

هدف دیگر آنها، از حمله کردن به موجودیت اسرائیل، شاید این باشد که بطور غیر مستقیم به سران کشورهای عربی جنوب خلیج فارس که همواره دل نگران مجهز شدن ایران به جنگ افزار هسته ای بوده و هستند وانمود کنند که قصد استفاده از بمب اتمی احتمالی خود را در مورد کشورهای آنها ندارند.

بی گمان، برخوردهای خشونت آمیز عوامل جمهوری اسلامی، در رویارویی با مردم استانها و اقوام ایرانی و طرح شعار حذف اسرائیل و پافشاری در مورد تهیه اورانیوم غنی شده همه را باید نشانه هایی از ضعف درونی نظام جمهوری اسلامی برآورد کرد و نه قدرت آن.

می دانیم که هیچ یک از کشورهای صاحب بمب اتمی و کلاهک های هسته ای نمی توانند از این سلاح مخرب و مرگبار، بر علیه مردم خود استفاده نمایند. آنگاه که سرنوشت مختوم جمهوری اسلامی فرا رسد «با» و یا «بدون» داشتن بمب اتم ناچار از سقوط است.

نشانه روشن این سقوط را در روسیه شوروی مشاهده کردیم که سران آن با وجود برخورداری از بمب ها و بمب افکن های اتمی بی شمار، در رویارویی با حرکت مردم راهی جز سقوط و کناره گیری نیافتند.

خشونتی که سردمداران جمهوری اسلامی نسبت به مردم اعمال می کنند، همانطور که گفتیم به علت ترس و وحشت آنها از سقوط نظام است. آنها تصور می کنند که با اعمال زور و خشونت می توانند از سقوط خود جلوگیری کنند.

فرار سرمایه های غارت شده توسط وابستگان نظام به خارج از کشور گواه روشنی است بر اینکه آنان از سرنوشت شومی که در پیش رو دارند بخوبی آگاهند. سرنوشتی که با ترور و ایجاد ترس و وحشت ممکن است چند صباحی آنرا به تأخیر انداخت وی سرانجام روزی نه چندان دور تحقق خواهد پذیرفت.



با توجه به آنچه که در روزشمار فرازین آوردیم، می توان شفاف بیان نمود که مشکل بزرگ جمهوری اسلامی و حاکمیت مکتبی - سیاسی آن، نبود اعتمادی است که در ۲۶ سال گذشته نسبت بخود در جهان بوجود آورده و این بی اعتمادی و ناهم ترازی و ناهمآوری با آمدن آقای احمدی نژاد و عوامل سپاه و بسیج و اصولگرایان و متعصبینی چونان علی لاریجانی که اکنون پس از قبضه مجلس و نهاد ریاست جمهوری تمامی اهرم های قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست دارند، افزونتر گشته است. در این راستا در تاریخ شنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۵ در روزنامه Die Welt آقای برونو شیرا Bruno Schirra با تیتیر درشت «بازرسان آژانس اتمی در وین می گویند، ملایان سالهاست که با ما یک بازی موش و گربه به راه انداخته اند» در گزارش نوین خود با لحنی تند و انتقادآمیز از جمهوری اسلامی می نویسد؛ در سالهای گذشته مقامات مسئول بر پایه یک الگوی «پنهان کارانه» عمل کرده اند تا بتوانند بر روی برنامه هسته ای خود پرده ابهام بگسترانند. آنها تنها با فشار پیگیر غرب سرانجام قرارداد الحاقی منع گسترش تسلیحاتی اتمی را امضاء کردند، اما هنوز آنرا برای پاراف و تصویب به مجلس نبرده اند و یکی از مقامات مسئول آژانس می گوید فرستادگان جمهوری اسلامی با شیوه رفتاری خود بر گردن ما قلاده ای بسته اند و به هر سو که می خواهند آنرا می کشند. در تاریخ ۱ اویت ۲۰۰۵ آقای لاریجانی در برنامه ۱ تلویزیون گفت که؛ قرارداد منع گسترش تسلیحات اتمی مرده است. اختلاف ما با غرب در مورد تسلیحات اتمی است و نه درباره تهیه میله های سوخت هسته ای برای تولید نیرو. تا بحال با اروپایی ها درباره غنی سازی اورانیوم سبک Low بحث کرده ایم و نه غنی سازی اورانیوم سنگین High که به آن نیاز داریم. از ایشان پرسیدند برای چه کار شما به این اورانیوم نیاز دارید او خیلی شفاف پاسخ داد، این حق را ما داریم که با تسلیحات اتمی از خود دفاع کنیم. یعنی اینکه بمب اتمی بسازیم و هم در این رابطه علی لاریجانی در سمت پیشین خود یعنی رئیس رادیو و تلویزیون ایران پس از امضاء پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای یعنی (NPT) گفته بود «مروارید غلتان دادیم و آب نبات گرفتیم». و هم در این رابطه سرپرست انستیتوی مطالعات استراتژیک در روسیه (PIR) آقای ولادیمیر اورلوو Wladimir Orlov در یک کنفرانس مطبوعاتی صریح گفت که ما باید بپذیریم که ایران در جهت رسیدن به یک برنامه کامل استفاده انرژی اتمی است که که ظاهراً صلح آمیز است، اما تنها یک گام برای تولید تسلیحات اتمی فاصله دارد.